

# مبارزات شیعیان با حکومت‌های

# ستمگر

و قربانی داده‌اند و همیشه پرچم مبارزه با قدرت‌های حاکم را که بنام اسلام حکومت می‌کردند، پوش می‌کشیدند و این مبارزات از مبانی ایندولژیکی تشیع تغذیه می‌کرد.

مثلا عنصر «صفت» «اختیار» و «عدل» که جزء اصول اعتقادی شیعیان بود، آنان را در برابر هر حاکمی که وضع لو یا این اصول منطبق نبود، به مخالفت و اعتراض وا می‌داشت.

شیعیان چون معتقد به امامت «امام معصوم» بودند، حکومت هر زمامدار غیر معصوم را به رسمیت نمی‌شناختند و آن را حکومت غیر شرعی و اطاعت از او را حرام می‌دانستند و در برابر حکومت‌های ستمگر، علم مخالفت و مبارزه را بر می‌آراشتند.

از طرف دیگر چون معتقد به اصل «اختیار» و آزادی انتخاب بودند و مفهوم اصل اختیار این بود که سرنوشته هر کسی در دست خود اوست، طعنا زمامداران را نیز مثل هر فرد دیگر مسئول اعمال و رفتار خود می‌دانستند و آنان را در برابر هر عمل خلافی مورد استیضاح و انتقاد قرار می‌دادند. شیعیان با مکتب چریگری که زمامداران را از اختیار و مسئولیت میرا دانسته آنان را «ظلم‌الله» و اعمالشان را به عنوان «خواست خدا» و «اراده الهی» توجیه می‌کردند سخت مبارزه می‌نمودند.

همچنین چون شیعیان به اصل «عدل» خدا اعتقاد داشتند و مفهوم این اصل این بود که محال است کوچکترین ظلمی از خداوند سربریزد، در آنکاسی این اصل در اجتماع، معتقد بودند که زمامدار اسلامی باید مظهر عدل خدا در جامعه باشد، از این رو همیشه طرفدار اجرای عدالت بودند و در برابر هرگونه اجحاف و ظلم، عکس‌العمل تندی نشان می‌دادند و با فرقه‌هایی که منکر عدل خدا بوده و جایگزین عدل را یکسان می‌پنداشتند، سرسازش نداشتند.

این عوامل باعث شده بود که شیعیان پیوسته با قدرت‌های حاکم مبارزه نموده همیشه مورد خشم و غضب زمامداران فاسد واقع شوند. این گروه زمامداران برای توجیه اعمال ناروایی خود شیعیان را تضعیف نموده از فرقه‌هایی که بر حسب نظریات اعتقادی خود، آنان را ائمه می‌نمودند، ترویج و حمایت می‌کردند.

نقش مکتب در انقلاب اسلامی ایران در بحران انقلاب اسلامی ایران، نویسندگان، مفسران سیاسی، و خیرگزاریه‌های مختلف جهان، پیرامون انقلاب ایران و ریشه‌ها و انگیزه‌های آن به بحث و بررسی می‌پرداختند ولی از میل آنان کمتر کسی بود که به عمق مذهبی و ریشه اصیل دینی انقلاب پی ببرد تنها معدودی از آنان که از نزدیک در ایران و پاریس با رهبر بزرگ انقلاب و مردم مبارز ایران تماس گرفته بودند، به ریشه‌های انقلاب پی برده بودند.

یکی از دانشمندان بزرگ ایتالیا که زمره این گروه اندک بود، پس از دیداری از ایران طی مقاله‌ای نوشته بود:

«انقلاب ایران از عمق عقاید دینی مردم شیعه ایران سرچشمه می‌گیرد زیرا شیعیان به حکومت امامان معتقدند و عقیده دارند که امام دوازدهم، غایب است و هنگام ظهور، جهان را بر از عدل و داد خواهد کرد بنابراین، شیعیان هر روز در انتظار حکومت بهتری بسر می‌برند و هر حکومتی که در جامعه آنان روی کار بیاید آن را با حکومت عدل علی و حکومت عدل و قسط امام دوازدهم مقایسه می‌کنند، اگر فاقد این خصلت بود، مشروعیت خود را از دست می‌دهد و شیعیان زیر بار آن نمی‌روند»

برداشت این دانشمند، از واقعیت برخوردار است، و این نکته در بررسی انقلاب شکوهمند ایران، همیشه باید مورد توجه قرار گیرد.



سلسله بحث‌هایی که بخواست خدا در سال جدید مجله زیر عنوان بالا از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت. بررسی مبارزات شیعیان در تاریخ اسلام با زمامدارانی است که بنام اسلام حکومت کردند ولی اسلام را از بین بردند، مبارزاتی که از مکتب انقلابی تشیع سرچشمه می‌گرفت و از مبانی عقیدتی شیعیان تغذیه می‌نمود. این بحث‌ها، اقتباس و برداشتی از کتاب ارزنده «جهاد الشیعة» به قلم پاری دانشمند «دکتر سمیره مختار اللیثی» است. مؤلف کتاب که دارای درجه دکترا در رشته تاریخ، از دانشگاه «عین الشمس» مصر است، با صبر و بردباری و با بهره‌گیری از منابع مختلف علمی و تاریخی و دینی، مبارزات شیعیان را از قرن اول تا سال ۲۳۲ هجری مورد تحلیل و بررسی قرار داده و پهنوی از عهده این کار برآمده است.

لطف دیگر کتاب در این است که طی آن، لطف دیگر کتاب در این است که طی آن، یک نویسنده غیر شیعه، پیرامون مبارزات شیعیان تحقیق و مطالعه کرده است و طبعاً در اظهار نظرها و برداشتهای تاریخی وی به نفع شیعه احتمال هیچگونه تعصب نمی‌رود.

آقای «دکتر احمد شرباصی» استاد دانشگاه الازهر که چند سال پیش از ایران دین کرده است، ضمن مقدمه‌ای بر این کتاب می‌نویسد:

«شیعیان از جمله گروه‌های اسلامی هستند که دارای نقش بزرگی در جامعه اسلامی می‌باشند. تشیع که با محبت‌خاندان پاک پیامبر آغاز گردید، پس از وفات پیامبر اسلام (ص) طی دوران‌های تاریخی خود، مسیر جداگانه‌ای در پیش گرفت، و این مسیر مشخص، رفته رفته وسیع تر و گسترده تر شد تا آنکه از بطن تشیع بزرگان، قهرمانان، رجال، متفکران، رهبران و مبلغان فراوانی برخاستند و شخصیت‌هایی پرورش یافتند که گاه با قلم و گاه با شمشیر از مکتب تشیع دفاع کردند.

لطفاً بقیه را در صفحه ۶۲ مطالعه فرمایید

## مبارزات شیعیان با حکومت‌های ستمگر

الازهر، گواه عظمت سلسله فاطمیان می‌باشد.» وی سپس به چگونگی نگارش کتاب اشاره نموده می‌گوید:

«این کتاب، یک بحث علمی است که براساس روش علمی در بررسی‌های تاریخی تنظیم شده است. و یکی از بارزترین اصول این روش، رعایت بی‌طرفی سازنده است که ما را به نتایج علمی مفید، راهنمایی می‌کند. در نگارش این کتاب، در عین آنکه به بیان و تشریح حوادث تاریخی علاقه نشان داده ایم، به فلسفه تاریخ نیز اهمیت داده ایم. همچنین میان جهاد شیعیان و میان جوانب حیات سیاسی و دینی و فکری جهان اسلام، پیوند داده ایم.»

با این مقدمه، بخواست خدا از شماره آینده، بررسی مبارزات شیعیان را شروع خواهیم کرد....

صادق روح تشیع است که در صورتهای گوناگون و مستمر جهاد انقلابی، دینی، فکری و اجتماعی جلوه گر شده است.

بدین ترتیب، ما از گلستان بزرگ و پر گل تشیع، گل‌های فراوان خوشبو و زیبایی چیده ایم که چشمه‌ها را خیره و دلها را شاد می‌سازد و بوی خوش آن در بستر زمان، جاودان می‌ماند.» مؤلف آنگاه اضافه می‌کند:

«شیعیان در تاریخ اسلام در تمام حوادث سیاسی شرکت داشته‌اند و در شکوفائی تمدن اسلامی به ویژه در شکوفائی نهضت‌های دینی و علمی موثر بوده‌اند. شیعیان در طول تاریخ، در پاس سایر گروه‌های اسلامی بوده‌اند و یکی از آثار تشیع، دولت اسلامی و بزرگ فاطمیان در مصر است که هر مسلمانی به تمدن و نقش جهانی آن افتخار می‌کند و شهر قاهره و دانشگاه قدیمی

## هجرت پیامبر، و سر آغاز تاریخ مسلمانان جهان

- (به کتاب - «اخبار اصفهان» نگارش ابوالفتح ج ۱ علوم ۱۹۰ ص ۵۲ - ۵۳ مراجعه گردد).
- ۱ - فتوح البلدان ص ۷۲ چاپ سال ۱۳۸۸ هـ
  - ۲ - مکاتیب الرسول ج ۱ ص ۲۸۹ نقل از شرح ملا علی قاری بر شفاء قاضی عیاض و الوفاقی السیاسیه
  - ۳ - الاموال ط مصرص ۲۹۷
  - ۴ - التراتیب الاداریه ج ۱ ص ۱۸۱، نقل از الشمایخ سیوطی
  - ۵ - صحیفه سجادیه ص ۱۵، سفینه البحارج ۲ ص ۶۴۱
  - ۵ - مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۹۰
  - ۱ - مدرک پیش ص ۱۹۷
  - ۲ - تاریخ الخمیس ج ۱ ص ۳۶۸
  - ۳ - تاریخ الخمیس ج ۱ ص ۳۶۸
  - ۴ - مغازی و اقلدی ج ۲ ص ۵۳۱
  - ۵ - مدرک سابق ص ۵۳۴
  - ۶ - تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۸۸ ط دارالمعارف
  - ۱ - البدایه و النهایه ج ۷ ص ۷۳ - ۷۴ شرح جدیدی ج ۱۲ ص ۷۴
  - ۲ - تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۴۵